مقالهٔ نهم

از سلسلهٔ مقالات نجفی

نوروز

در ایران و اسلام

تاریخ غرّه صفر المظفّر ۱۳۵۹ هجری مطابق بیستم اسفند ماه ۱۳۱۸ هجری خورشیدی

در بمبئی

پرنسیس بلدنگ نمره ۱۸

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم

نوروز

در ایران و اسلام

تازه‌ترین روزی که ایرانیان آن را عید ملّی و مسلمانان شیعه اثنا عشری عید مذهبی گیرند۔ نوروز است. نوروز یکتا روزی که دو جنبه را دارا است ملّیت و مذهبی در اسلام روزی که بعنوان مذهب و ملیت شناخته آمده است بتنهائی نوروز است روز نوروز بهترین قدر جامع تاریخی است که روحیات تشیّع را با اجتماعیات ملّی ایرانیان پیوند مینماید و حس یگانگی را بین شیعه و ایرانیان تولید میکند اهمیت نوروز نه بتنهائی از جهت ناموری و باستان بودن آن است بلکه اهمیت تاریخی و اجتماعی نوروز چه بسا از مردمان نویسنده و گوینده را مشغول و در اثر آن

سخنرانیها و قلم فرسائیها نموده نگارشها بیادگار از خود گذارده اند.

نوروز در میان زنان و جوانان روز پوشیدن جامه های نیکو و خوردن و آشامیدن و زینت و دید و بازدید و سخنرانیها و گفتار شیرین و خوشی و خرمی است ولی نوروز در نزد خواص و مردم دانشمند روزی است که بواسطه آن رشته دوستی و وحدت ملی و یگانگی و زنده داشتن آثار گذشتگان تازه میشود و نیز روزی است که در پایان وظایف و عادات اجتماعی آن یک قسمت مهمی از علاقه مندی را در میان مردمان ایجاد میکند.

ایرانیان را در دوره باستانی عیدهای مختلف و جشنهای بسیار بوده است مخصوصاً در هر ماه روزی را که نام آن روز با نام ماه موافق میامد عید میگرفتند ولی از میان جشنهای ملی مخصوصاً جشن سده و مهرگان و نوروز را بسیار گرامی و بزرگ میداشتند جشن سده و مهرگان از افریدون است حمزه بن حسن اصفهانی[۱] در سنی الملوک میگوید در سال سی[۳۰] ام پادشاهی این

---

[۱] در اصفهان سنه ۲۹۱ هجری متولد شده پیش از سنه ۳۶۰ هجری از دنیا رفت.

شهریاری بود که ابراهیم خلیل[۱] به پیغمبری ظاهر گردید عمر خیام میگوید که این شهریار دین آنحضرت را نپذیرفت افریدون چون به پادشاهی رسید و شهریاری بر او راست شد و بیوراسب را که ضحّاک (ده آک) میگفتند کشت سده را جشن گرفت و چون مردم از جور و ستم او رسته بودند این جشن را پسندیده آن روز را بفال نیک گرفته خوشنودیها نمودند و چون سده در بهمن ماه واقع گردید و پنجاه شب و پنجاه روز قبل از نوروز میباشد آن را سده[۲] نام نهادند و بمناسبت سده گفته شده است :

سده جشن ملوکِ نامدار است ❊ ز افریدون و از جم یادگار است

مهرگان[۳] که عرب آن را مهرجان گویند نیز از نهاد نهای آفریدون است و مهر نام روز شانزدهم هر ماه و نیز ماه هفتم سال خورشیدی باستانی است و مهرگان که با کاف فارسی آمده نام جشن باستانی است که در فصل خزان اوّل پائیز واقع میشود و آن روز شانزدهم مهر ماه مطابق اوّل میزان هنگام

---

۱ نوروزنامه ص ۱ ۲ بفتحتین سَدَه ۳ بالکسر مِهرگان .

اعتدال خریفی[1] است و اوّل میزان روزی است که پائیز در آن شروع میشود و
پس از نوروز در نزد ایرانیان باستان جشنی بزرگتر از مهرگان نبوده است
و آن را همچون نوروز احترام می نمودند عنصری[2] چامه گوی قرن چهارم هجری میگوید
مهرگان آمد گرفته فالش از نیکی مثال + نیک روز و نیک جشن و نیک وقت و نیک حال
احترام جشن مهرگان تا شش روز یعنی از روز شانزدهم مهرماه تا روز بیست و
یکم مرسوم بوده است از شانزدهم مهرماه تا روز بیست و یکم را مهرگان عامه و روز
بیست و یکم را مهرگان خاصه مینامیدند و عقیده ایرانیان را نسبت بمهرگان چنین بود
که خدای تعالی زمین را در آن روز گسترانید و بدنها را مقرون بارواح نمود و در آن روز
بود که فرشتگان بیاری کاوه آهنگر در آمدند و در این روز بود که افریدون بر اورنگ پادشاهی
نشست و در این روز بود که ده آک (ضحاک) را بکوه دماوند فرستاده
بند نمودند و مردم بدین جهت آن را بزرگ و عید گرفتند. و در آن روز فرمانروایان
(حکام) را مهر و محبت نسبت به رعیت خود ظاهر گردید و چون مهرگان بمعنی محبت

[1] چون آفتاب یا زمین (بنابر هیئت کوبرنیکی) در سیر خود باوّل میزان که تقریباً ۲۱ سپتمبر موافق میشود برسد آن را اعتدال خریفی گویند [2] منوچهری که از اقران عنصری است در ۴۳۲ سنه هجری فوت نموده.

پیوستن است بنابراین باین نام شناخته آمده و گویند اردشیر بابکان[1] نخستین پادشاهان ساسانی[2] دراین روز افسری که بران صورت آفتاب نقش گردیده بود برسر نهاد و پس ازاو شهریاران ایران بهمین دستور نیز دراین روز تاج برسر فرزندان خود می نهادند وروغن بان[3] بجهت تیمّن وتبرّک بربدن میمالیدند و آنهارا رسم چنین بود که در روز مهرگان اوّل کسی که بخدمت پادشاه رود مؤبدان ودانشمندان باشند ونیز رسم چنین بود که هفت خوان ازمیوه چون شکر و ترنج وسیب وبه وانار وعنّاب وانگور سفید وکنار باخود آورند وآنهارا این چنین عقیده بود کسی که دراین روز ازاین هفت میوه بخورد وروغن بربدن مالد وگلاب بپاشد وبرخود وبردوستان خود بپاشد درآن سال از آفات وبلاها درامان بماند

جشن سده ومهرگان تا قرنهای اوّل اسلامی بلکه تا دوره پادشاهی غزنویه[4] وسلجوقیه[5] بلکه تا قرن پنجم نیز جاری بوده عید مهرگان درنزد خلفای اسلام

۱- اردشیر در سنه ۲۲۶ میلادی بشهریاری رسید ۲- شماره ساسانیان بیست وهشت نفر ومدت شهریاری آنان پانصد ودو سال وهفت ماه بود ۳- بان درختی است که میوهٔ آن را حب البان گویند ۴- از سنه ۳۶۶ الی سنه ۵۸۳ هجری دوره آنان خاتمه یافت ۵- از سنه ۴۳۲ الی سنه ۵۹۰ هجری دوره آنان بپایان رسید.

وبزرگان دیانت معروف ومشهور بوده است ابوالفدا[1] در تاریخ خود میگوید
مرزبان جد ابوحنیفه رئیس مذهب[2] مسلمانان حنفی روز عید مهرگان شرفیاب
خدمت امیرالمؤمنین علی علیهم السّلام گردید وفالوده بعنوان تحفه بر حضرت
اوراد عانمود و فرمود "هر روزه مهر چون باشد" یعنی روزانه مانند روز
مهرگان برشما عید بگذرد سده و مهرگان باآن احترامات ملّی و اهمیت آن
در نزد ایرانیان باستانی باز هم چون نوروز گرامی نبوده در اثر بزرگی
نوروز و اهمیت آن بود که جشن نوروز را بمراتب بزرگتر از جشن سده
و مهرگان میگرفتند نظر بهمین فرق وگرامی بودن نوروز است که تاکنون
مشهور و نامی است و سدها سال است که آن دو جشن از یادها رفته و
عموم ملّت بآن آشنا نمی باشد.

اگرچه میتوان عمدهٔ اساس پایندگی نوروز را در اثر مذهب شیعه
اثنی عشری دانست که در نتیجه عقیده مندی بمذهب شیعیان ایرانی وغیره

[1] پادشاه دمشق وحماة نامش اسمعیل و در سنه ۷۳۲ هجری وفات نمود [2] نامش نعمان فرزند ثابت فرزند
مرزبان است در نزد امام جعفر صادق علیه السّلام شاگردی نمود در سنه ۱۵۰ فوت نمود.

نوروز را بعنوان عید مذهبی هر ساله تجدید نموده و تاکنون آن را زنده داشته اند و در هر سوی جهان پراگنده نموده اند

بهر حال اگرچه آوازهٔ این جشن ملّی جهان را فرا گرفته ولی پی بردن بآغاز و تاریخ ابتدای آن خیلی دشوار است در پایان بازجوئیهای علمی این اندازه انسان میتواند بپذیرد که از روزی که بشر نوروز را روز نو اختیار نمود بیش از پنج هزار سال باید باشد اهل تاریخ کیومرس[1] و جمشید[2] را دخالت تامّه در نوروز دهند عمر خیّام[3] در نوروزنامه خود گوید. "چون نوبت شهریاری بکیومرس نخستین شهریاران ایران رسید و خواست که روزهای سال و ماه را نام نهد و تاریخ سازد و مردم بدانند نظر نمود آن روز بامداد که آفتاب[4] باوّل دقیقه حمل آمد موبدان عجم را جمع نمود و فرمود که تاریخ از اینجا آغاز نمائید. و نیز میگوید - چون این روز را اوّل تاریخ

ح۱ کیومرز نیز آمده بفتح اوّل - در سنه ۳۹۱۷ قبل از هجرت بشهریاری رسید برخی او را آدم اوّل دانند نخستین پادشاهان پیشدادیان بوده چهل سال پادشاهی نمود ح۲ جمشید - چهارمین پادشاهان پیشدادیان میباشد که در سال ۳۸۱۷ قبل از هجرت به پادشاهی رسید ح۳ در نیشاپور سنه ۵۱۷ هجری وفات نمود ح۴ بنابر مذهب بطلیموس که ۱۴۰ سال قبل از مسیح بود - مرکز عالم را زمین و آفتاب را بدور آن سائر میدانست.

قرارداد سال خورشیدی را بدوازده بخش قسمت نمود و هر بخشی را سی[۳۰] روز و هر روزی را نام نهاد[۱] و نیز فصول چهارگانه سال - بهار، تابستان، پائیز و زمستان را کیومرس معیّن نمود ولی نام دادن این روز را بنوروز و آوردن رسومات عید و جشن ملّی را در آن از آثار جمشید و نهاد و نهای اوست و برخی چنین نویسند که چون در روزگار تهمورس سوّمین پادشاهان سلسله پیشدادیان که در سنه ۳۸۴۸ قبل از هجرت بشهریاری رسید آئین و مذهب صابئیه[۲] (ستاره پرستان) رونق تمام داشت، جمشید در دوره خود آئین یزدان پرستی را تجدید نمود، مردم را بپرستش خدای افلاک و زمین و آسمان خواند از این جهت این روز را روز نوروز و عید گرفته و بمردم بخششها نمود و برخی مبدأ تاریخ نوروز را نیز نسبت بجمشید دهند و

---

[۱] در ماههای ایرانی هفته مرسوم نبوده ولی از برای هر روزی نامی مقرر گردیده باین ترتیب (۱) اورمزد (۲) بهمن (۳) اردی بهشت (۴) شهریور (۵) اسفندارمد (۶) خرداد (۷) مرداد (۸) دیبازر (۹) اذر (۱۰) ابان (۱۱) اخور (۱۲) اماهی (۱۳) آتیر (۱۴) اجوش (۱۵) ادیمهر (۱۶) امهر (۱۷) اسروش (۱۸) ارشن (۱۹) فروردین (۲۰) بهرام (۲۱) رام (۲۲) باد (۲۳) دیبدین (۲۴) دین (۲۵) ارد (۲۶) اشناد (۲۷) اسمان (۲۸) رامیان (۲۹) مارا سفند (۳۰) انیران [۲] برخی کیش صابئین را نسبت به یوزاسف حکیم که در زمان هوشنگ در سنه ۳۸۴۴ سال قبل از هجرت بوده میدهند. و پارهٔ دیگر بصاب بن ادریس دهند ابن الندیم در فهرست خود تفصیلی مینگارد که گنجایش بیان آن نیست.

گویند چون مدّت ۳۰۰ سال از شهریاری کیومرس گذشت و دوره پادشاهی جمشید رسید روز اوّل حمل را نوروز نام نهاد و فرمان داد که آن روز را مردم عید گیرند و شادمانی کنند و خود نیز افسری مکلّل بجواهر بر سر نهاد و بر اورنگ شاهی قرار گرفت. خیّام است در نوروزنامه میگوید - چون جمشید آن را دریافت که آفتاب در هر ۳۶۵ شبانه روز و ربعی دوره خود را بپایان میرساند آنگاه باز هم باوّل دقیقه حمل میرسد آن را نوروز نام نهاد و پس از وی شهریاران دیگر او را پیروی نمودند و نیز پارهٔ دیگر چنین نگاشته اند - جمشید که نام وی جم بود و تازیان او را متوشلخ گفتند سیر عالم می نمود چون باذربایجان رسید فرمان داد تا برای وی تختی جواهرنشان (مرصّع) بر جای بلندی رو بسوی خاور (مشرق) گذارند آنگاه افسری جواهرنشان بر سر نهاد و بر آن اورنگ نشست همین که آفتاب طلوع نمود پرتوش بر آن تاج و تخت تابیدن گرفت، شعاعی در غایت روشنی از آن پدید آ گشت مردمان در اثر آن شادمان گشتند و گفتند این - روز نو است

وچون بزبان پهلوی شعاع را شید گویند آن را بر جم که نام وی بود افزودند
واو را جمشید گفتند و دران روز جشنی بزرگ آراستند و از آن تاریخ
رسم نوروز جاری گردید اگرچه بیان شد مبدأ تاریخ نوروز بطور تحقیق خیلی
دشوار است که دانسته شود ولی در اثر کلمات اهل تاریخ و برخی گفته ها فهمیده
میشود که نوروز از آثار جمشید و از نهادنهای این شهریار نامور میباشد
چامه سرایان از ده قرن قبل نوروز را نیز نسبت به جمشید داده اند

عنصری گوید

نوروز بزرگ آمد و آرایش عالم * میراث به نزدیک ملوک عجم از جم

از ابوریحان[1] بیرونی نقل شده است که در کتاب التفهیم فی صناعة التنجیم خود
که در سنه ۴۲۰ هجری بفارسی نوشته شده است میگوید ـ "نوروز نخستین
روز از فروردین[2] ماه است و آن را از این جهت نوروز گویند که این روز
پیشانی سال نو میباشد." نوروز را پیشینیان چون مهرگان بدو بخش

---

[1] نامش احمد اصلش از بیرون که شهری است از سند مدتی در خوارزم تحصیل نمود مردی دانشمند و حکیمی ریاضی و منجم بود باندازه در علوم حریص بود که در سالی دو مرتبه فقط قلم از دستش جدا میشد. روز نوروز و مهرگان در حدود سنه ۴۳۰ هجری وفات نمود

[2] فروردین ماه ۳۱ روز است.

قسمت نموده اند یکی نوروز عامه که آن را نوروز بزرگ گفته اند و آن از اول
فروردین ماه است تا روز ششم و دیگری نوروز خاصه که همان روز ششم
فروردین ماه است که جمشید در آن روز باز هم بر اورنگ پادشاهی نشست
و مردمان را باحترام روز نوروز راهنمائی نمود و خاصان را طلبید و رسمهای
نیکو گذارد و گفت خدای تعالی شما را آفرید باید در این روز بآبهای پاکیزه
تن بشوئید و بسجده او مشغول شوید و هر ساله در این روز بهمین دستور
عمل نمائید. گویند چون در روز نوروز نیشکر بدست جمشید شکسته و
خورد شد آبش معروف و مشهور گردید و شکر از آن ساختند خوردن
شکر در روز نوروز رسم گردید و از آن شیرینیها ساخته میخوردند

نوروز از همان دوره باستان در نزد پادشاهان بسا گرامی و
بزرگ بودی و چون دوره اکاسره یعنی شهریاران ساسانی رسید هر ساله
از نوروز عامه تا نوروز خاصه که شش روز باشد نیاز مردمان را بر آوردندی
و زندانیان را آزاد نمودندی و از جرم گنه کاران را عفو نموده گذشتندی

وبشادیها وخوشی ها مشغول گردیدندی.

از زمان کیخسرو تا بروزگار یزدگرد آخرین پادشاهان عجم را رسم چنین بود که در روز نوروز اول کسی که از مردمان بیگانه باید بخدمت آنها رسد مؤبد موبدان باشد چون نزد پادشاه آمدی جامی زرّین پُر از می و انگشتری و درمی و دیناری و شمشیری و تیر و کمان و دوات و قلم و اسبی و بازی و غلامی خوبروی وغیره با خود آوردی و پیش نمودی آنگاه پادشاه را بزبان پارسی سپاس گفتی پس از آن بزرگان دولت آمدندی و خدمتها پیش نمودندی وآنچه مرسوم بود بجای آوردندی

تکریم نوروز از دورهٔ باستانی چنانکه بنگارش آمد از بزرگترین وظایف دینی و سیاسی و اجتماعی آن دوره بود در پایان همان رویّه است که تاکنون خیلی از عادتها است که در ملّت جاری و آوردن آنرا از وظایف لازمه نوروزی خود میدانند قسمتی از رسومات امروزه که خرد و بزرگ بان آشنا میباشند و تایک اندازه ملتزم بان هستند میتوان

گفت بواسطه همان عادات گذشتگان است که آوردن آن بی حکمت نبوده گرفتن سیم وزر در دست در هنگام تحویل حمل و چیدن سفره وافروختن روشنائی و تقید بهفت سین و مانند آن معلوم است که پایه آن در نتیجه رویه های گذشتگان است که در مهرگان و نوروز آورده میشد و اکنون بصورت دیگر آنرا میاورند روشن است که این گونه اُمور چه اندازه ها جالب توجه ملت و سبب اجتماع است بهانه خوبی است که در این روز مرد و زن، کوچک و بزرگ دور هم جمع شده و شیرینی علاقه مندی را بوسیله آن احساس کنند بویژه زنان و نوباوگان نسبت بان روز نوروز زیاده با علاقه شوند روح نوروزی بسبب این شیرینیها و خوردنیها و چیدنیها و رنگهای گوناگون و روشنائیها در دلهای کودکان زنده میماند و در پایان آن عید نوروز در نظرها جای گیرد و در گرفتن نسل آینده نیز خیلی مؤثر میشود از ازمان گذشته این گونه کردارها در دلهای مردمان ساده و طبقه عوام و زنان وجوانان تولید فال نیک مینماید و بالطبیعه خوشنودی سال خود را در نتیجه

آن تصور مینمایند حکما گفته اند - تصور نیکی و آسایش، نیکی و آسایش آورد است

نوروز در اسلام بعنوان دیانت اگرچه در میانه عامه مسلمانان مرسوم نیست ولی از همان قرنهای اوّل اسلامی بزرگان اسلام از خلفای بنی عبّاس و پادشاهان و سلاطین شیعه نوروز را بغایت گرامی داشتند و آن را بزرگ میدانستند بلکه از عیدهای رسمی سلطنتی مقرّر نموده بودند بویژه برای سلام رسمی در آن روز جلوس مینمودند خلفای بنی عبّاس جلوس روز عید نوروز را اهمیت فوق العاده میدادند در آن روز امرای لشکری و کشوری و دیگر طبقات مردم برای سلام عام حاضر مجلس خلیفه میشدند و مرسومات نوروزی عمل مینمودند منصور دوانقی[1] دوّمین خلفای بنی عباسی نوروز را اهمیّت میداد و آن روز را عید رسمی دربار خلافت گرفته و در دربار برای پذیرائی جلوس مینمود در یکی از سالها است که چون خلیفه نتوانست برای سلام عام حاضر شود حضرت امام موسی کاظم

[1] سنه ۱۵۸ هجری از دنیا رفت.

علیه السّلام[1] را در دربار بجای خود خواهش جلوس نمود و بزرگان لشکر و امرا و اعیان و سایر خواص و عوام برای سلام نوروزی حاضر گردیدند و حضرتش در مقام عنایت بواردین بمناسبت آن مجلس شاهانه درآمد و آن روز رسمی را به بهترین صورت بپایان رسانید.

پادشاهان اسلام و خلفای بنی عبّاس نه بتنهائی به رسومات نوروزی مقیّد بودند بلکه منتهای کوشش را برای حفظ نوروز و آنکه همیشه اوّل فروردین مطابق با اوّل نقطهٔ اعتدال ربیعی[2] باشد مینمودند و چون پیشینیان در اصلاح کبیسه نوروزی میکوشیدند

اصلاح کبیسه از دوره شهریاران ایران پیش از اسلام مرسوم بوده و در عصر اسلام پادشاهان اسلام نیز آن را پی نمودند.

کبیسه از کبس که بمعنی زیادی است آمده و مقصود از آن زیاد نمودن یک روز است در هر چهار یا پنج سال یک مرتبه بر ماهی از سال خورشیدی[3] که

---

[1] مناقب ابن شهرآشوب مازندرانی که در شعبان ۵۸۸ هجری وفات نمود [2] ربیع یعنی بهار است و رسیدن آفتاب باوّل بهار اوّلین نقطه اعتدال ربیعی است [3] و سال قمری ۳۵۴ روز و ۸ ساعت و ۴۸ دقیقه می باشد پس چون ۱۰ روز و ۲۱ ساعت و ۵۱ ثانیه بر آن افزایند با سال شمسی موافق آید.

شماره آن ۳۶۵ روز است تا آنکه ۳۶۶ روز شود و در پایان آن همیشه
نوروز با اول بهار برابر آید و از برای روشن نمودن این مطلب قبلاً باید
فهمید که شب و روز و ماه و سال که ظرف زندگانی و میزان کردار و گفتار
ما است و عمرهای ما را بپایان میرساند بواسطه حرکت زمین است در
مدار خود بدور آفتاب بنابر هیئت کوبرنیکی[۱] که آفتاب مرکز عالم است و
بنابر هیئت بطلیموسی[۲] در اثر حرکت آفتاب بدور زمین و بنابر آنکه مرکز عالم
زمین باشد چنانکه گذشتگان بر آن زندگی مینمودند و عقیده مندان بآنها
تا بحال نیز بر آن خیال شب و روز و سال خود را بانتها رسانند و نوروز
را عید گیرند پس بمناسبت آنکه نوروز امر باستانی است و مردم قدیم
مبنای نوروز و کبیسه و هیئت را بر حرکت آفتاب بدور زمین دانسته اند
و تقویمها نیز بهمان رویه استخراج میشود در این مقاله را از برای بیان نمودن

---

[۱] فیثاغورس پانصد سال قبل از مسیح مرکز عالم را آفتاب میدانست پس از وی بطلیموس فلکی خیالات فیثاغورس را باطل نمود و زمین را مرکز عالم گفت و این مذهب عمومیت پیدا نمود کوبرنیک که از دانشمندان لهستان (پولند) بود در سنه ۱۴۷۳ میلادی متولد گردید و در سنه ۱۵۴۳ میلادی مطابق سنه ۹۶۳ هجری از دنیا رفت نظام بطلیموسی را باطل نمود و بگردش زمین عقیده مند گردید و آفتاب را مرکز عالم دانست و رفته رفته این رای مطبوع بشر گردید و هیئت کوبرنیکی هیئت رسمی عالم اجتماعی امروزه شد

[۲] بطلیموس ۱۴۰ سال قبل از مسیح ظاهر گردید.

کبیسه بنای زمین را بر حرکت آفتاب میگوئیم

آفتاب را دو حرکت است وضعی که حرکت شبانه روز که بیست و چهار ساعت است و حرکت انتقالی که سیر سالانه است و مدت آن ۳۶۵ شبانه روز و ربعی است تقریبًا ؛ یعنی چون آفتاب از اول نقطه اعتدال ربیعی که اول بهار است شروع بحرکت نمود و فصول چهارگانه را گذارند تا وقتیکه باز هم بهمان نقطه اعتدال ربیعی برسد ۳۶۵ شبانه روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۵۱ ثانیه[1] مدت لازم دارد و این اندازه از دوره سیر آفتاب، سال شمسی حقیقی است و سال خورشیدی ملی از اول فروردین[2] ماه که روز نوروز است تا آخر اسفند ماه ۳۶۵ روز میشود پس از این جهه سال خورشیدی ربع شبانه روز کوتاه تر از سال شمسی حقیقی میباشد در این صورت هرگاه اول فروردین (نوروز) با اول بهار موافق باشد در آخر سال باندازه ربع شبانه روز قبل از آنکه

---

[1] اگرچه برخی بجزئی فرق بیان نموده اند [2] فروردین اول ماه سال خورشیدی هجری است روزهای آن ۳۱ روز است انگاه اردیبهشت و خرداد و تیر مرداد و شهریور میاید و روزهای هر یک از آنها نیز ۳۱ روز است پس از آن مهر آبان آذر دی و بهمن میاشد و روزهای هر یک ۳۰ روز میباشد پس از آن ماه دوازدهم اسفند است که روزهای آن ۲۹ روز است .

آفتاب باوّل نقطه اعتدال ربیعی برسد اسفند تمام گردیده فروردین شروع میشود پس بالطبیعه اوّل فروردین که روز نوروز است تقریباً یک ربع شبانه روز و تحقیقاً ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۵۱ ثانیه پیش از رسیدن اوّل بهار که ابتداء حرکت سالانه آفتاب است شروع خواهد شد و درصورتیکه نوروز بهمین حال بماند در دوره سال شمسی حقیقی گشت خواهد نمود گاهی در بهار و گهی در پائیز و زمانی در زمستان و وقتی در تابستان واقع خواهد شد و در مدّت ۱۴۴۰ سال از بهاری تا بهار دیگر نوروز سیر خود را در بروج دوازدگانه[1] امتداد خواهد داد پس از برای آنکه همیشه نوروز در بهار مطابق اوّل حمل واقع شود در دوره باستان ستاره شناسان بحکم پادشاهان کبیسه را وضع نموده نوروز را اصلاح میکردند و مقصود از کبیسه آن است که همان ربع روز را روی هم افزوده آن را ماه یا روز مینمایند و در زمان شهریاران ایران رسم چنین بود که در هر ۱۲۰ سد و بیست سال

---

[1] بروج دوازده گانه - حمل، ثور و جوزا - سرطان، اسد و سنبله - میزان، عقرب و قوس - جدی، دلو و حوت است - سه برج اوّل بهار و سه دوّم تابستان سیّم پائیز و سه برج اخیر زمستان است.

یک مرتبه کبیسه می نمودند سد و بیست ربعهارا روی هم افروده ماهی مینمودند

اخیراً آن ماه را بر ماههای سال می افرودند که سیزده ماه شود و سال

سیزده ماهه را وهیزک یعنی مبارک مینامیدند واخیراً در کبیسه چنین مرسوم

گردید که هر از چهار یا پنج سال ربعهای روز را جمع نموده یک روز مینمایند

وآنرا بر روزهای یکی از ماههای دوازده گانه بیفزایند و نوروز را که اوّل

فروردین است با اوّل اعتدال ربیعی که اوّل برج حمل است موافق آورند

وآن سال را کبیسه وگاهی بمسامحه آن روز زیادی را روز کبیسه نامند.

گشتاسب، پنجمین شهریاران دوره کیانیان سال خورشیدی تلی

را بکبیسه اصلاح نمود و در موقع رسیدن آفتاب بسرطان اوّل فروردین

را بآن موافق آورد وآن سال را جشن گرفت و فرمان داد که هر سد و بیست

سال کبیسه نمایند و بهمین رویه کبیسه جاری گردید

اردشیر بابکان، نخستین شهریاران ساسانی نیز در روزگار خود امر

بکبیسه نمود وجشن بزرگ آراست و در دوره شهریاری فیروز (۱۹۰ سال

قبل از یزدگرد سوّم کبیسهٔ سال نیز اصلاح یافت) اصلاح کبیسه در روزگار شهریاران ایران باندازه بزرگ و مهمّ بود که بحکم آنان ستاره شناسان و حساب کنندگان و اهل قلم و هیربدان و مؤبدان با صحّت حساب کبیسه را بعمل میآوردند بویژه در دوره ساسانیان که در این راه مالها خرج میشد و اهل دانش و ستاره شناسان و آماره گیران را از اطراف کشور در پایتخت گرد نموده کبیسه را اصلاح می نمودند و نوروز آن سال را بزرگترین نوروزهای گذشته میگرفتند

در دورهٔ بنی عبّاس در حفظ نوروز و اصلاح کبیسه اهتمام تام می نمودند مأمون، هفتمین خلفای بنی عبّاس کوشش نموده از برای آوردن نوروز باوّل حمل امر بکبیسه کرد برای کبیسه مخصوصاً بامر وی رصد گرفته شد و زیج مأمونی را در شماسیّه بغداد برپا نمود و از سنه ۲۱۵ تا ۲۱۷ عدّهٔ از ستاره شناسان دران اشتغال داشتند و هنوز ناتمام که مأمون در ۲۱۸ سنه از دنیا رفت متوکّل عبّاسی در محرم سنه ۲۴۳ هجری و معتضد عبّاسی در سال ۲۸۲ کبیسه اهمال شده

را نیز اصلاح نمودند ولی از گفته ابو الفداء مؤرّخ قرن هفتم معلوم میشود که معتضد[1] برای آسایش رعیّت و گرفتن باج نوروز را در اواخر جوزا مطابق حزیران که ماه پنجم رومی[2] است مقرر نمود و نیز ابو الفداء می نویسد - نوروز در نزد پیشینیان وقت رسیدن آفتاب به نیمه حوت بود ولی در سنه ۴۶۷ هجری در روزگار شهریاری ملک[3] شاه سلجوقی فرزند الب ارسلان بفرمان وی و گفتهٔ وزیر با تدبیرش خواجه نظام الملک[4] ستاره شناسان نوروز را با وقت رسیدن آفتاب با وّل حمل برابر نمودند و برخی چنین نویسند که دوره سلطان جلال الدّین که همان ملکشاه سلجوقی میباشد اوّل حمل با هجدهم فروردین ماه برابر بود از این جهة هجده روز نامبرده را کبیسه نمودند و روز ۱۹ فروردین متعارف را دوباره اوّل فروردین مطابق اوّل حمل قرار دادند و آغاز سال را از اوّل بهار گرفتند و این واقعه در جمعه دهم رمضان المبارک

---

[1] متوفی در ع ۲ سنه ۲۸۹

[2] نام ماههای رومی از این قرار است تشرین اوّل - تشرین ثانی - کانون اوّل - کانون ثانی - شباط - آذر - نیسان - ایار - حزیران - تموز - آب - ایلول ماه اوّل سال کانون ثانی است و در سال کبیسه شباط که ۲۸ روز است ۲۹ روز شود

[3] در سنه ۴۸۵ هجری وفات نمود [4] در سنه ۴۸۵ هجری کشته شد.

سنه ۴۷۱ می بود و این نقل با گفته ابو الفداء شاید دو روزی فرق داشته باشد و این اندازه تفاوت در امر تاریخی سهل است و در صورتیکه نوروز چنانکه بیان شد در نیمه حوت واقع گردیده بود لازم میشود که هفتاد سال قبل از اصلاح ملکشاه تقریباً اوّل فروردین با اوّل حمل مطابق بوده آنگاه بواسطه مسامحه رفته رفته نوروز از اوّل حمل دور گردید پس از آن بواسطه اصلاح کبیسه باز هم نوروز و اوّل حمل که اوّل بهار است موافق آمد

تاریخ نوروز و بیان خصوصیّات اجتماعی ملّی باستانی وغیره بطور وافی از اندازه این مقاله بیرون است و آنچه سزاوار این مقاله بود نگاشته شد

وامّا نسبت دادن تقویمهای بومی و یا نوشته های اُردو نوروز را بنوروز یونانی ممکن است این اشتباه از این رو باشد که چون یونانیان باستانی را عیدی بوده است که در اوّل بهار که بعنوان عید مردگان خود آن را می گرفتند و از برای خوشنودی روان آنان شادیها می نمودند،

عید نوروز ایرانی را که اوّل بهار است بواسطه این تصادف عید یونانی دانسته بیونانیان نسبت داده اند ولی تصادفهای اعیاد ملل مختلف منافاتی با روح اختصاص و آنکه نوروز ایرانی غیر از روز عید یونیان است ندارد

نوروز در نزد مسلمانان شیعه اثنی عشری چنانکه در اوّل مقاله بآن اشاره رفت یکی از عیدهای مذهبی آنان است تاریخ ایرانیان شیعه اثنی عشری چه از دورهٔ آل بویه[1] و یا که از عصر رئیس مذهب حضرت امام جعفر الصّادق[2] علیه السّلام که آنحضرت را در جرجان و نیشابور ومرو و کاشان و قم و طبرستان و ری و غیره شیعه بوده بلکه در خراسان بتنهائی سد[3] هزار مرد شمشیر زن سوای زنان و کودکان شیعه آنحضرت بوده اند بما میرساند که عقیده مندی ایرانیان شیعه در پایان مذهب نسبت بنوروز اثرهای فوق العاده در حفظ این روز باستانی در این قرنهای متمادی داده سدها سال است از جهة جنبه مذهبی ایرانیان

---

[1] آنها را دیالمه گویند عدد آنان ۱۱ نفر بوده در سنه ۳۲۲ نخستین آنان عماد الدوله بشهریاری رسید و آخرین آنان بهاء الدوله در سنه ۴۰۳ وفات نمود [2] در ۱۵ رجب سنه ۱۴۸ وفات نمود [3] مناقب ابن شهرآشوب مازندرانی

شیعه که سواد اعظم آن مرز میباشند نوروز را محترم داشته و وظایف مذهبی خود را در آن روز بزرگ پی نموده و اهمیت آن را در روحیات ملت آینده تولید نموده اند نه تنها ایرانیان شیعه را از جهة مذهب در حفظ نوروز حصه الیست بلکه شیعیان جهان بشری را که امروزه شماره آنان بیش از پنجاه ملیون[1] میباشد در تعظیم نمودن نوروز و ناموری آن نیز حصه الیست روشن.

اقوام مختلف شیعه اثنی عشری امروزه از ایرانی و عرب و ترک و هندی و سندی و تبتی و کشمیری وغیره نوروز شناس اند و همه آنان با یک عاطفه دینی آن روز بزرگ را گرامی دارند آثار نوروزی و وظایف مذهبی را در آن بجا آورند

اعراب شیعه عراق نوروز را بهترین روز مبارک در پیشانی سال نو گیرند و از برای مبارکی آن سال نو خود را در جوار مولا امیر المؤمنین علی

---

[1] و برخی شماره آنان را هفتاد ملیون نگاشته اند اعیان الشیعه ج ۱ ص ۴۷

علیه السّلام در نجف اشرف بسر برند جمعیت آنان در آن شهرستان باندازه شود که گذر نمودن از کوی و برزن مشکل شود و جای نشستن در صحن شریف و روضه مطهّره و راه رفتن نماند و در موقع تحویل آفتاب باوّل فروردین (بهار) آن هزاران جمعیّت متّفقاً شادیها نموده اظهار خوشنودی کنند بویژه اجتماع در روضات مقدّسه از برای مبارکی سال در خراسان و قم و کربلا و سایر امکنهٔ مطهره در میان شیعیان ایرانی و غیر ایرانی مرسوم است شیعیان هندوستان نیز نوروز را گرامی دارند و آن را عید بزرگ شمارند مخصوصاً در لکهنو و غیره خوشنودیها کنند و وظایف نوروزی خود را بجا آورند نسبت به بزرگی نوروز و تاریخ اجتماعی آن بزبانهای مختلف اوراقها نوشته و خدمتها باین روز باستانی نموده اند[۱]

غرض آنکه روحیّات شیعه نسبت بنوروز دران روز ملّی در هر گوشه و کنار جالب توجّه و نظر و کاشف از عقیده مندی این ملّت است

---

[۱] احکام نوروز مشتمل بر یک قسمت تاریخ نوروز و اعمال مذهبی آن بفارسی نوشته ام و در سنه ۱۳۵۴ بگجراتی ترجمه گردیده و ده هزار نسخه بطبع رسید.

ایرانیان شیعه ممکن است بدو جنبه این روز را گرامی دارند ولی شیعیان غیر ایرانی تنها بعنوان راهنمائی پیشوایان مذهب است که این روز پاکیزه را محترم شمارند و در آن روز بدن شویند- لباس پاکیزه در بر کنند- تبریک عید نوروز گویند- اوراد و اذکار و دعاهای وارده و سایر آداب را در آن روز و در هنگام تحویل آفتاب به حمل (اوّل فروردین) بجای آورند و نمازی که در روز نوروز وارد گردیده بخوانند و چه بسا از مردم دیده می شود که در این روز قسمتی از طلسمات و نقوش را که مبنای صحّت آن روشن نیست در اثر مبارک بودن روز نوروز و عقیده مندی بان آن را نویسند و با خود نگاه دارند

اهمیت نوروز در نزد شیعه و عقیده مندی آنان نسبت بفضیلت آن در اثر راهنمائی پیشوایان و روایاتی است که در بزرگی و اهمیّت آن وارد گردیده معلّی بن خنیس که از مشهورین اصحاب رئیس مذهب حضرت جعفر بن محمّد الصّادق علیه السّلام بود

روایت نموده که من در بامدادِ روز نوروز بخدمت امام صادق (ع) شرفیاب شدم آنحضرت فرمود ای معلّی آیا می شناسی این روز را گفتم نمی شناسم مگر انکه می دانم روزی است که عجم آن را تعظیم نمایند و در نتیجه آن برکت جویند

حضرت فرمود نه چنین است بخدای خانه قدیمیکه در بیابان مکّه واقع گردیده این تعظیم و تکریم آنان نیست مگر برای یک امر باستانی که من آن را برای تو روشن می نمایم تا که بآن دانا شوی معلّی میگوید من عرض کردم آموختن من آن را از تو در نزد من بهتر است از زندگانی همیشه گی خداوند دشمنان شمارا هلاک گرداند انگاه فرمود ای معلّی روز نوروز روزی است که خداوند پیمان و عهد از بندگان خود گرفت از برای آنکه اورا بندگی کنند و شرک بوی نیاورند و به پیمبران و حجّتها و اولیای وی ایمان آورند نوروز نخستین روزی است که آفتاب درآن طلوع نمود و بادهای آبستن کننده

(نباتات) درآن وزیدن گرفت رستنیهای زمین درآن ایجاد گردید پس ازآن جنابش یک قسمت مطالب تاریخی رابرای معلّی بیان می نماید وفرمود نوروز روزی است که کشتی نوح (ع) (درموقع فرونشستن طوفان) برکوه جودی[۱] قرارگرفت ودرآن روز خداوند زنده نمود جمعی راکه هزاران شماره آنان بود وازمرگ فرار نموده بودند آنهارامیرانید پس ازآن بازآنان رازنده نمود نوروز روزی است که جبرئیل برپیغمبر(ص) فرودآمد (یعنی روزاوّل البعثت) وآن روزی است که ابراهیم خلیل (ع) بُتان قوم خودرادرهم شکست نوروز روزی است که رسول خدا (ص) دراین روزامیرالمؤمنین علی علیه السّلام رابرشانه خود بلند نموده آنحضرت بُتان قریش را ازاطراف کعبه پرتاب نموده درهم خورد کرد بازهم درحدیث دیگرفرمود نوروز روزی است که بیعت دوّم برای امیرالمؤمنین (ع) واقع گردید

---

[۱] برخی آن رانجف اشرف نوشته اند چنانکه درروایت نیزوارد گردیده.

ونیز بمعلّی میفرماید نوروز روزی است که پیغمبر اکرم (ص) از برای امیرالمؤمنین (ع) در روز غدیر خم عهد گرفت واقرار بر ولایت وی نمودند خوشا بحال آنان که بر پیمان خود باقی ماندند ونیز فرمود نوروز روزی است که آنحضرت بر نهروانیان غالب آمد و در آن روز قائم (ع) ما ظاهر شود و دجّال را در کناسه[۱] کوفه بدار کشد نوروز از روزهای ما است پارسیان آن را نگهداری نمودند آنگاه حضرت واقعهٔ زنده شدن جمعی را بدعای پیغمبری از پیغمبران بنی اسرائیل بیان نمود وفرمود پیغمبری از پیغمبران بنی اسرائیل از خدای خود خواستار گردید که زنده نماید قومی را که سی هزار نفر جمعیّت آنان می بود واز برای فرار از مرگ ترک دیار خود نموده بودند خداوند یک مرتبه آنها را میرانید آنگاه بآن پیغمبر امر شد که بر آن مردگان آب بپاشد پس در آن روز بود که آن پیغمبر بر آنها آب افشاند و تمامی آنان زنده

---

[۱] کناسه کوئی در کوفه بوده است

گردیدند[۱] ازاینجا است که آب پاشیدن در روز نوروز سنتی از قدیم
است که دانا نیست بان مگر راسخین در دانش باز فرمود نوروز
روز اول از روز سال پارسیان است نظر بهمین فرمایشات است
که شیعه اثنی عشر بویژه شیعیان ایرانی سدها سال است که این
روز باستانی را هر ساله تازه نمود بزرگترین آثار تاریخی ملی را زنده
داشته اند و آن را بزرگ دانسته تعظیم و تکریم آن کنند و پیشانی سال نو

---

[۱] این واقعه اشاره است بآیه شریفه ۲۴۲ در سورهٔ بقره اهل تاریخ و تفسیر نسبت بان واقعه باختلاف رفته اند ولی برخی چنین نگاشته اند که آن جمعیت از اهل راوردان که قریهٔ بوده است از واسط و بعضی خود واسط را گفته اند غرض انکه طاعون در میان آنان پدید آمد قسمتی از آنها جلای وطن نموده بسلامت ماندند وکسانیکه ماندند بتلای طاعون شدند پس از برطرف شدن بیماری . هجرت کنندگان برگشته و باماندگان قرار دادند که چون آینده طاعون پدید آید همگی باهم جلای وطن نمایند خلاصه چون سال آینده باز هم طاعون برگشت همه آنان که سی هزار نفر بودند بخیال فرار از مرگ ترک وطن گفتند چون در بیابان رسیدند خداوند همه آنهارا باچارپایان آنان میرانید چون از دفن آنها عاجز آمدند اطراف آنهارا دیوار کشیده باندازه ماندند که استخوانهایشان پوسیده گردید آنگاه سومین اوصیای حضرت موسی (ع) جناب حزقیل از آنها گذر نمود (بعضی نویسند پس از ۶۰ هشت سال گذر وی برانها افتاد) آنهارا دیده بفکر فرو رفت واز خداوند زندگانی آنهارا خواستار شد یزدان مهربان در نتیجه دعای آن پیغمبر آنان را باز هم زنده نمود و مشغول زندگانی تازه خود گردیدند واین واقعه در روز نوروز رخ داد
(واسط شهرستان آبادی بوده است بین کوفه وبصره) .

را نجو شنودی در آن آغاز مینمایند

اُمیدوارم خداوند همواره جامعه را موفق باحترام این روز بزرگ نموده از خطرات سال آینده محفوظ بدارد و پیشانی سال نو را بر خرد و بزرگ مبارک کند و در نتیجه آن همه گی سال تازه را به خوشی و خرّمی بپایان رسانند انشاء الله تعالیٰ

آگهی :- تحویل آفتاب بحمل بافق بمبئی ساعت یازده استندرد و بیست و سه دقیقه و چهل و چهار ثانیه از شب پنجشنبه یازدهم صفر ۱۳۵۹ سنه هجری قمری مطابق اوّل فروردین ۱۳۱۹ سنه هجری خورشیدی مطابق ۲۱ مارچ ۱۹۴۰ سنه میلادی میباشد .

صبح روز یکشنبه ۲۳ محرم الحرام ۱۳۵۹ سنه ه.ق

مطابق دوازدهم اسفند ۱۳۱۸ سنه ه.خ بپایان رسید

در بمبئی پرنسیس بلدنگ نمبر ۱۸

محمد حسن النجفی

فهرست حاشیه

صفحه

فهرست متن

صفحه

فهرست متن

فهرست متن

صفحه

بسعی واهتمام محمد اسمٰعیل جهرمی زاده بهندی بازار بمبئی ۳ طبع گردید.